



The University of Tehran Press

Requirements for Ensuring Transparency in Presidential Elections; With Emphasis on the General Policies on Elections

Mohamadhasan Bagherikhoozani¹ | Mohamad Boroomand² | Mohamad Salehi³

1. Corresponding Author; PHD Student of azad University Najaf Abad branch in Public law, Najaf Abad, Iran. Email: mohamadhasan92@yahoo.com
2. PHD in Public law, Imam Sadeq University, Tehran, Iran. Email: m.boroomand@chmail.ir
3. PHD Student of Public Law, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran. Email: msalehi5106@ut.ac.ir

Article Info	Abstract
<p>Article Type: Research Article</p> <hr/> <p>Pages: 2523-2546</p> <hr/> <p>Received: 2022/10/23</p> <p>Received in revised form: 2022/12/01</p> <p>Accepted: 2023/01/30</p> <p>Published online: 2024/12/21</p> <hr/> <p>Keywords: <i>transparency, presidential election, election policies, good governance.</i></p>	<p>Today, transparency is considered as one of the elements for achieving good governance. The purpose of transparency is to ensure the public's right to information, hold officials accountable, encourage public participation, address issues and structures, and prevent corruption. For this reason, the promotion of transparency in elections, which is one of the most common tools for gaining power in democratic systems, is justifiable. A transparent electoral system places actions and decisions in the public eye, helping electoral participants to bear responsibility for their decisions effectively. Thus, the transparency metric in elections can encompass both candidates as well as observers and administrators. In the General Policies on Elections, as an overarching document, the requirements for a transparent electoral system have been outlined. Based on this premise, this article aims to answer the question, to what extent does the legal framework of presidential elections ensure the General Policies of Elections in terms of transparency? The findings of the paper indicate that the laws relating to presidential elections have deficiencies that need to be remedied based on the General Policies on Elections.</p>
<p>How To Cite</p>	<p>Bagherikhoozani, Mohamadhasan; Boroomand, Mohamad; Salehi, Mohamad (2025). Requirements for Ensuring Transparency in Presidential Elections; With Emphasis on the General Policies on Elections. <i>Public Law Studies Quarterly</i>, 54 (4), 2523-2546. DOI: https://doi.com/10.22059/jplsqt.2023.349933.3202</p>
<p>DOI</p>	<p>10.22059/jplsqt.2023.349933.3202</p>
<p>Publisher</p>	<p>University of Tehran Press. </p>



انتشارات دانشگاه تهران

فصلنامه مطالعات حقوق عمومی

شاپا الکترونیکی: ۸۱۳۹-۲۴۲۳

دوره ۵: شماره ۴

زمستان ۱۴۰۳

Homepage: <http://jplsq.ut.ac.ir>

بایسته‌های تضمین شفافیت در انتخابات ریاست جمهوری؛ با تأکید بر سیاست‌های کلی انتخابات

محمدحسن باقری خوزانی^۱ | محمد برومند^۲ | محمد صالحی^۳

۱. نویسنده مسئول؛ دانش‌آموخته دکتری حقوق عمومی، دانشکده حقوق، الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.
رایانامه: mohamadhasan92@yahoo.com

۲. دانش‌آموخته دکتری حقوق عمومی، دانشکده معارف اسلامی و حقوق، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران.
رایانامه: m.boroomand@chmail.ir

۳. دانشجوی دکتری حقوق عمومی، گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
رایانامه: msalehi5106@ut.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: پژوهشی</p> <p>صفحات: ۲۵۲۳-۲۵۴۶</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۰۱</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۰۹/۱۰</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۱۰</p> <p>تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۳/۱۰/۰۱</p> <p>کلیدواژه‌ها: انتخابات ریاست جمهوری، حکمرانی خوب، سیاست‌های کلی انتخابات، شفافیت.</p>	<p>امروزه شفافیت از عناصر نیل به حکمرانی خوب به‌شمار می‌آید. هدف از شفافیت تأمین حق داشتن اطلاعات مردم، پاسخگو کردن مسئولان، مشارکت مردم و اصلاح مشکلات و ساختارها و جلوگیری از فساد است. به همین دلیل تعمیم شفافیت در انتخابات که از رایج‌ترین ابزار رسیدن به قدرت در نظام‌های مردم‌سالار است، توجیه‌پذیر است. نظام انتخاباتی شفاف، عملکردها و تصمیمات اتخاذشده را در معرض دید عموم قرار می‌دهد و کمک می‌نماید تا بازیگران عرصه انتخابات، مسئولیت تصمیمات اتخاذشده را به‌خوبی عهده‌دار شوند. بر همین اساس سنجه شفافیت در انتخابات می‌تواند از یک سو نامزدهای انتخاباتی و از سوی دیگر ناظران و مجریان را در برگیرد. در سیاست‌های کلی انتخابات به‌عنوان یک سند بالادستی، بایسته‌های نظام انتخاباتی شفاف به‌منظور اعتلای نظام انتخاباتی کشور جهت نیل به وضعیت مطلوب ترسیم شده است. بر همین مبنا این مقاله درصدد است با شیوه توصیفی-تحلیلی به این پرسش پاسخ دهد که «وضعیت حقوقی حاکم بر انتخابات ریاست جمهوری، تا چه حد تأمین‌کننده مفاد سیاست‌های کلی انتخابات در حوزه شفافیت است؟». با بررسی سیاست‌های مذکور، مشخص شد که قوانین مربوط به انتخابات ریاست جمهوری، دارای نواقصی است که لازم است با ابتناء بر این سیاست‌ها، وضعیت موجود بازنگری و اصلاح شود.</p>
استناد	باقری خوزانی، محمدحسن؛ برومند، محمد؛ صالحی، محمد (۱۴۰۳). بایسته‌های تضمین شفافیت در انتخابات ریاست جمهوری؛ با تأکید بر سیاست‌های کلی انتخابات. <i>مطالعات حقوق عمومی</i> ، ۵۴ (۴)، ۲۵۲۳-۲۵۴۶. DOI: https://doi.com/10.22059/jplsq.2023.349933.3202
DOI	10.22059/jplsq.2023.349933.3202
ناشر	مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.



۱. مقدمه

امروزه در عرصه قدرت، شفافیت عمدتاً به‌عنوان شاخصی از کیفیت سیاست و حکمرانی لحاظ می‌شود (حبیب‌نژاد و عامری، ۱۳۹۵: ۱۳۰). بر همین اساس هم سیاستمداران و هم شهروندان، خواهان شفاف‌سازی بیشتر امورند؛ زیرا اندیشمندان تقریباً راه‌حل برخورد با هرگونه فساد در نظام سیاسی را در شفاف‌سازی برای عموم می‌دانند (بخشایش اردستانی و دشتی، ۱۳۹۲: ۶۸). حکمرانی شفاف، روشن می‌سازد که آنچه انجام می‌گیرد، چگونه و چرا انجام می‌شود و بر اساس چه استانداردهایی تصمیم‌گیری شده است (ضمیری و نصیری حامد، ۱۳۸۹: ۱۸۵). در الگوواره حقوق عمومی که به‌طور مستقیم با موضوع حکمرانی و حقوق شهروندان در ارتباط است، «شفافیت» امکانی را فراهم می‌کند تا اطلاعاتی که حکومت در اختیار شهروندان قرار می‌دهد، به آنها اجازه داده شود تا از آنچه حکومت انجام می‌دهد، آگاه شوند و بتوانند تحلیل، نقد و قیاس کنند (میدری و خیرخواهان، ۱۳۸۳: ۵۲۶). در همین زمینه با توجه به آنکه انتخابات مهم‌ترین ابزار مشارکت سیاسی مردم در حکمرانی است، امروزه در نظام‌های مختلف دنیا، با توجه به فراگیری و عمومیت حوزه اثرگذاری آن، راهکارهای مختلفی به کار گرفته شده است که شفافیت را می‌توان از مؤثرترین رویکردهای اصلاحی و ارتقایی نظام‌های انتخاباتی تلقی کرد (مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری، ۱۳۹۸: ۵). سنجه شفافیت در انتخابات می‌تواند از یک‌سو شامل نامزدها و احزاب و از سوی دیگر شامل حاکمیت، اعم از ناظران و مجریان باشد.

شفافیت ناظر بر ابعاد مرتبط با نامزدها شامل شرایط انتخاب‌شوندگی، اموال و دارایی و هزینه‌های تبلیغات و فعالیت‌های انتخاباتی است. مؤلفه‌های شفافیت در عملکرد نهاد ناظر بر انتخابات نیز می‌تواند شامل پاسخگویی مسئولانه و به‌موقع در خصوص دلایل ابطال انتخابات و رد صلاحیت داوطلبان و همچنین مشارکت دادن مردم در امر نظارت بر انتخابات باشد. مجری انتخابات نیز می‌تواند با اتخاذ سازوکارهای شفاف و اطمینان‌بخش، سلامت در اخذ و شمارش آرا و اعلام نتایج را ارتقا بخشد و بستر مشارکت حداکثری و تأمین حقوق داوطلبان و رأی‌دهندگان را تأمین کند. در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران سیاست‌های کلی انتخابات به‌عنوان یک سند بالادستی، بایسته‌های نظام انتخاباتی شفاف نسبت به هر سه ساحت مذکور را ترسیم کرده است. بر این اساس در نوشتار پیش‌رو سعی شده تا با تحلیل و بررسی بایسته‌های نظام انتخاباتی شفاف در سیاست‌های کلی انتخابات، انتخابات ریاست جمهوری مورد سنجش قرار گیرد. در پایان نیز در صورت عدم انطباق قوانین با این سیاست‌ها، پیشنهادهای اصلاحی ارائه شده است.

در خصوص موضوع نوشتار حاضر، پژوهش‌هایی که تاکنون صورت گرفته اغلب ناظر بر شفافیت در

هزینه‌های تبلیغاتی نامزدهای انتخاباتی بوده است؛^۱ از این رو جامعیت این پژوهش نسبت به آثار مشابه و توجه آن به تطبیق ملاک‌های مورد اشاره با سیاست‌های کلی ابلاغی مقام معظم رهبری، وجه بدیع بودن آن را توجیه می‌کند.

این مقاله در سه قسمت سازمان یافته است؛ نخست، شفافیت ناظر بر نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری تحلیل و ارزیابی شده است؛ سپس بایسته‌های تضمین شفافیت در عملکرد نهاد ناظر بر انتخابات بررسی شده است؛ در نهایت شفافیت عملکرد مجری انتخابات با شیوه توصیفی - تحلیلی مورد مذاقه قرار گرفته است.

۲. شفافیت ناظر بر نامزدهای انتخابات

واکاوی شاخصه‌های تضمین شفافیت ناظر به نامزدهای انتخاباتی در ساحت‌های گوناگون قابل بررسی است که از جمله مهم‌ترین آنها می‌توان به شفافیت در شرایط انتخاب‌شوندگی، اموال و دارایی، هزینه‌های تبلیغات و فعالیت‌های انتخاباتی، سوابق، برنامه‌های اجرایی و وعده‌های انتخاباتی اشاره کرد که در ذیل سه مورد از آنها تحلیل و ارزیابی شده است.

۲.۱. شفافیت شرایط نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری

امروزه دولت‌ها برای انتخاب‌شوندگان شرایط سخت‌تری را در مقایسه با انتخاب‌کنندگان در نظر می‌گیرند و این شرایط به تناسب اهمیت نمایندگی موضوع انتخاب، متغیر است (تقی‌زاده، ۱۳۸۵: ۵۸). البته این شرایط و معیارها نیز خود تابعی از مطالبات ارزشی و اخلاقی عموم جامعه است (فتاحی زفرقندی، ۱۳۹۷: ۳۰). برای مثال در برخی از قوانین اساسی کشورها علاوه بر ذکر موضوعات کلان انتخابات از جمله حق رأی و نوع نظام انتخاباتی، برخی از شرایط انتخاب‌شوندگان از جمله سن نیز تعیین شده است (ماسکیو و بلز، ۱۳۹۰: ۵۲۳). اما صرف نظر از اینکه شرایط انتخاب‌شوندگان در قانون اساسی یا قوانین انتخاباتی کشورها تعیین شود، این شرایط باید به نحوی روشن، شفاف، عینی و کمی باشد که نهاد ناظر بر انتخابات در مقام بررسی آنها دچار برداشت‌ها و سلیقه‌های گوناگون نشود.

قانونگذار اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل ۱۱۵ قانون اساسی، شرایط داوطلبان ریاست جمهوری را تعیین کرده است. به موجب این اصل، «رئیس‌جمهور باید از میان رجال مذهبی و سیاسی که

۱. مصطفی‌زاده، ۱۳۸۹؛ هاشمی و همکاران، ۱۳۹۹؛ مهری و هادی تبار، ۱۳۹۴.

واجد شرایط زیر باشند انتخاب گردد: ایرانی‌الاصل، تابع ایران، مدیر و مدبر، دارای حُسن سابقه و امانت و تقوا، مؤمن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی ایران و مذهب رسمی کشور». در حال حاضر نیز آنچه در ارتباط با شرایط نامزدهای ریاست جمهوری در قوانین و مقررات انتخاباتی قابل مشاهده است، همان شرایط مصرح در اصل ۱۱۵ قانون اساسی است؛ موارد مذکور در ماده ۳۵ قانون انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۴/۰۴/۰۵ مجلس شورای اسلامی، عیناً تکرار شده است.^۱ از شرایط یادشده، تنها دو شرط ایرانی‌الاصل و تابع ایران بودن جنبه کمی و روشن دارد و شروط دیگر ماهیت کیفی و ساحتی کلی دارند (باقری خوزانی و عطریان، ۱۴۰۰: ۵۹۰). با بررسی مصوبات مجلس شورای اسلامی درمی‌یابیم این نهاد در ادوار مختلف، بر آن بوده است برخی از شرایط کیفی و مبهم اصل ۱۱۵ قانون اساسی را تعریف کند و برای آنها ضابطه و معیار ارائه دهد.^۲ این در حالی است که رویه شورای نگهبان نشان از این دارد که تا پیش از اظهارنظر درباره «طرح اصلاح قانون انتخابات ریاست جمهوری مصوب ۱۳۹۹/۱۰/۲۱»، هرگونه قانونگذاری مجلس شورای اسلامی در تعیین شرایط رئیس‌جمهور را مغایر با اصول قانون اساسی از جمله اصل ۱۱۵ و بند ۹ اصل ۱۱۰ اعلام کرده است.^۳ با توجه به آخرین نظر شورای نگهبان می‌توان برداشت کرد این نهاد، رویه سابق خود را تغییر داده است؛ برای مثال در لایحه انتخابات ریاست جمهوری در سال ۱۳۶۰ از جمله شرایط داوطلبان ریاست جمهوری داشتن حداقل ۳۰ سال سن مقرر شده بود^۴ که شورای نگهبان در نظر شماره ۲۰۹۷ مورخ ۱۳۶۰/۰۴/۱۵ این شرط را مغایر با اصل ۱۱۵ قانون اساسی اعلام کرد؛^۵ اما این نهاد، تصریح شروط عمومی داوطلبان ریاست جمهوری از جمله داشتن مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد، حداقل سن چهل سال و حداکثر سن هفتاد سال، برخورداری از سلامت و توانایی جسمی و روانی کافی، جهت ایفای مسئولیت ریاست جمهوری، داشتن کارت پایان خدمت یا معافیت دائم قانونی^۶ و... در طرح فوق‌الذکر را مغایر با قانون اساسی اعلام نکرد.^۱

۱. قابل مشاهده در تارنمای سامانه جامع نظرات شورای نگهبان: <https://b2n.ir/z83397>

۲. طرح یک‌فوریتی اصلاح مواد ۳۵ و ۵۵ قانون انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۴ و اصلاحات بعدی مصوب ۱۳۸۷/۰۸/۱۹ مجلس شورای اسلامی. قابل مشاهده در تارنمای سامانه جامع نظرات شورای نگهبان:

<https://b2n.ir/r40647>

۳. نظر شماره ۳۶۸۱ مورخ ۱۳۶۴/۰۳/۲۵ قابل مشاهده در <https://b2n.ir/r40647>

۴. ماده ۱۰ لایحه انتخابات ریاست جمهوری مصوب ۱۳۶۰: «انتخاب‌شوندگان باید دارای شرایط زیر باشند:

۱-... ۷- دارای حداقل ۳۰ سال تمام سن، ملاک محاسبه سن داوطلب تاریخ اعلام داوطلبی می‌باشد...»

۵. قابل مشاهده در تارنمای سامانه جامع نظرات شورای نگهبان: <https://b2n.ir/e65645>

۶. طرح اصلاح موادی از قانون انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۹/۱۰/۲۱ مجلس شورای اسلامی: «...ب)

شایان ذکر است شورای نگهبان نیز در اجرای جزء «۵» بند «۱۰» سیاست‌های کلی انتخابات ابلاغی مقام معظم رهبری که «تعریف و اعلام معیارها و شرایط لازم برای تشخیص رجل سیاسی، مذهبی و مدیر و مدبر بودن نامزدهای ریاست جمهوری» را بر عهده شورای نگهبان قرار داده بود، تعاریف، معیارها و شرایط مذکور را که در تاریخ ۱۳۹۶/۱۰/۲۰ در جلسه شورای نگهبان به تصویب رسید بود، مجدداً در جلسه مورخ ۱۴۰۰/۰۲/۰۸ خود اصلاح کرد.^۲

۲.۲. شفافیت اموال و دارایی نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری

نظارت مالی بر مسئولان، سبب افزایش اعتماد شهروندان به مسئولان خواهد شد؛ چراکه روشن شدن اقدامات و تصمیمات کارگزاران، شائبه فساد آن‌ها نزد مردم را از بین خواهد برد و از تصورات نادرستی که به دلیل ابهام در وضعیت مالی مسئولان پدید می‌آید، جلوگیری می‌نماید (ساریخانی و اکرمی سراب، ۱۳۹۲: ۱۱۲). شفافیت اموال و دارایی‌های نامزدهای انتخابات، از دو بعد اهمیت دارد؛ اول آنکه با اعلام عمومی میزان اموال و دارایی و درآمدهای نامزد، مردم شناخت بهتری نسبت به وی پیدا می‌کنند و از خاستگاه اجتماعی و نوع نگاه او به مسائلی نظیر ثروت‌اندوزی، اشرافیت‌گرایی و رسیدگی به محرومان آگاه خواهند شد؛ ثانیاً با ثبت این اموال و دارایی و مقایسه آن‌ها در ابتدا و انتهای دوره تصدی مسئولیت، گام بزرگی در راه مبارزه با فساد و مال‌اندوزی مسئولان برداشته می‌شود و از سوءاستفاده افراد از جایگاه‌های حاکمیتی جلوگیری خواهد شد. در آمریکا به موجب ماده ۳۳ قانون اخلاق در دولت مصوب ۱۹۷۸، کاندیداهای انتخابات باید ظرف ۱۱ روز از اعلام نامزدی خود، گزارش اموال و دارایی‌های خود را به کمیته استانداردهای رفتار حرفه‌ای ارائه دهند. کمیته همه گزارش‌ها را از بُعد کامل بودن، تطبیق با قوانین و مقررات و ارائه در

داوطلبان ریاست جمهوری جهت احراز شرایط اختصاصی موضوع بند «الف» باید واجد شرایط عمومی ذیل باشند:

- ۱- داشتن مدرک تحصیلی حداقل کارشناسی ارشد یا معادل آن مورد تأیید وزارت علوم، تحقیقات و فناوری یا وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی و یا مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه
 - ۲- حداقل سن چهل سال تمام شمسی و حداکثر سن هفتاد سال تمام در هنگام ثبت نام
 - ۳- برخورداری از سلامت و توانایی جسمی و روانی کافی، جهت ایفای مسئولیت ریاست جمهوری
 - ۴- داشتن کارت پایان خدمت یا معافیت دائم قانونی
 - ۵- عدم محکومیت قطعی مؤثر کیفری.» قابل مشاهده در تارنمای سامانه جامع نظرات شورای نگهبان
<https://b2n.ir/b07386>
۱. نظر شماره ۹۹/۱۰۲/۲۱۶۰۶ مورخ ۹۹/۱۱/۱۳ شورای نگهبان. قابل دسترس در تارنمای سامانه جامع نظرات شورای نگهبان
<https://b2n.ir/z66572>

2. <https://www.shora-gc.ir/0001zZ>

بازۀ اعلام شده بررسی می‌مند. گزارش‌ها ظرف ۱۱ روز پس از تاریخ تکمیل، باید به آگاهی عموم برسد. در فرانسه نیز مطابق دستور ۵۱ قانون مدیریت انتخاباتی مصوب ۲۰۰۶، دخل و خرج احزاب باید در کمیسیون انتخاباتی ثبت گردد (مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری، ۱۳۹۸: ۱۲).

در نظام جمهوری اسلامی ایران به موجب اصل ۱۴۲ قانون اساسی، رسیدگی به دارایی مسئولان کشور توسط رئیس قوه قضائیه، پیش و پس از خدمت آنان رسیدگی شده تا برخلاف حق افزایش نیافته باشد. شایان ذکر است در جریان تصویب اصل مذکور، برخی از اعضای مجلس بررسی نهایی خبرگان قانون اساسی، در دفاع از این اصل به نامه حضرت امیرالمؤمنین (ع) به مالک اشتر استناد کرده و بر این باور بودند که «در جایی که مظان خیانت و جور است»، باید اقدامات پیشگیرانه اتخاذ کرد (صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، ۱۳۶۴: ۱۲۸۷). بنابراین از این حیث اعلام دارایی اموال نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری به شکل قانونمند برای مردم توجیه‌پذیر است. در نظام حقوقی کشورمان قوانینی که در حوزه شفافیت و اعلام اموال و دارایی شناسایی شده، ناظر بر مقامات، مسئولان و کارگزاران است و نه نامزدهای انتخابات.^۱ البته در ادوار گذشته مجلس شورای اسلامی، طرح‌هایی را می‌توان یافت که در آنها داوطلبان انتخابات ملزم به اعلام فهرست تمامی دارایی‌های منقول و غیرمنقول خود و همسر و فرزندان خود به همراه فرم ثبت‌نام شده بودند؛ ولی طرح‌های مذکور در نهایت لباس قانون بر تن نکرده‌اند.^۲ در اسناد انتخاباتی کشورمان در خصوص اعلام اموال و دارایی نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری، تاکنون مقررۀ خاصی به تصویب نرسیده است؛ هرچند مستند به برخی از اصول قانون اساسی و سیاست‌های کلی انتخابات این مهم قابل اثبات است.

به موجب اصل ۱۱۵ قانون اساسی رئیس‌جمهور باید از بین رجال سیاسی و مذهبی انتخاب شود و دارای امانت و تقوا باشد. شورای نگهبان در ماده ۳۲ مصوبۀ خود در ارتباط با تعریف رجل سیاسی و

۱. برای مثال می‌توان به «قانون رسیدگی به دارایی مقامات، مسئولان و کارگزاران جمهوری اسلامی ایران» مصوب ۱۳۹۴/۸/۹ مجمع تشخیص مصلحت نظام اشاره کرد. قابل مشاهده در: <https://www.parliament.ir/q2/29716n.ir>

۲. برای مثال در مجلس هشتم طرح اصلاح موادی از قانون انتخابات مجلس تحت عنوان طرح شفاف‌سازی هزینه‌های انتخاباتی با قید دو فوریت تقدیم مجلس شد که دو فوریت آن رد و با مخالفت مجلس روبرو گردید. بر اساس ماده ۵ این طرح، تبصره ۳ ماده ۴۵ قانون انتخابات مجلس به تبصره ۴ تبدیل و تبصره زیر به عنوان تبصره ۳ به آن ماده الحاق شده بود: «تبصره ۳- داوطلبان انتخابات باید همراه فرم ثبت‌نام لیست تمامی دارایی‌های منقول و غیرمنقول خود و همسر و فرزندان خود را اعلام کنند...»

۳. ماده ۲- شرایط و معیارهای لازم جهت تشخیص رجل سیاسی مذهبی و مدیر و مدبر بودن نامزدهای ریاست جمهوری

مذهبی، سابقه تصدی حداقل در مجموع چهار سال در مناصب مهم از جمله معاونان رؤسای قوای سه‌گانه، اعضای شورای عالی امنیت ملی، اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام و... را از جمله شرایط و معیارهای لازم جهت تشخیص رجل سیاسی مذهبی و مدیر و مدبر بودن نامزدهای ریاست جمهوری قرار داده است. بر همین اساس می‌توان گفت از آنجاکه افراد تعیین‌شده در این مصوبه قبلاً در دستگاه‌های اجرایی و نهادهای عمومی و دولتی مشغول خدمت بوده‌اند و به‌نحوی از انحا از بودجه عمومی کشور و بیت‌المال استفاده کرده‌اند و به‌واسطه جایگاه خود در نهادهای دولتی، ارتباطات وسیعی با مراکز قدرت و ثروت داشته‌اند، ضروری می‌نماید نسبت به اموال و دارایی‌های خود شفاف‌سازی کنند. بدیهی است فراهم شدن سازوکارهای نظارت عمومی، سبب افزایش اعتماد شهروندان به حکومت می‌شود و زمینه مشارکت آنان را در مسائل مختلف اجتماعی فراهم می‌سازد (قلی‌پور، ۱۳۸۴: ۱۲۳).

گزاره‌های متعددی از سیاست‌های کلی انتخابات نیز به شکل مستقیم و غیرمستقیم، ضرورت قانون‌گذاری توسط مجلس شورای اسلامی را در این حوزه نمایان می‌سازد؛ از جمله این موارد می‌توان به ارتقای سطح شناخت و آگاهی به‌منظور افزایش مشارکت و حضور آگاهانه و بانشاط مردم و کمک به انتخاب اصلاح، ارتقای شایسته‌گزینی همراه با زمینه‌سازی مناسب در انتخاب داوطلبان تراز شایسته جمهوری اسلامی ایران، تعیین دقیق معیارها و شاخص‌ها و شرایط عمومی و اختصاصی داوطلبان در چارچوب قانون اساسی و سلامت اخلاقی - اقتصادی و رعایت قسم‌نامه توسط نامزدهای انتخابات اشاره کرد.^۱

در انتخابات اخیر که در کشور برگزار شده، برخی از نامزدهای انتخابات، بدون الزام قانونی و تحت تأثیر افکار عمومی یا برای جلب آرای شرکت‌کنندگان در انتخابات، دست به انتشار عمومی اموال و دارایی‌های خود زده‌اند؛ برای مثال در دوازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری یکی از نامزدهای انتخابات لیست اموال و دارایی خود را در اختیار رسانه‌های گروهی و مردم قرار داد تا عموم مردم از اموال و دارایی ایشان باخبر باشند (بهادری جهرمی و باقری خوزانی، ۱۳۹۷: ۴۴).

نکته دیگر آنکه اعلام دارایی‌ها و اموال نامزدهای انتخابات در بسترهای قانونی^۲ و در ایام تبلیغات

عبارت‌اند از: ۲-۲. معاونین رؤسای قوای سه‌گانه

۲-۳. اعضای شورای عالی امنیت ملی

۲-۴. اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام

۲-۵. مدیر مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه کشور

۲-۶. رؤسای سازمان‌ها، مؤسسات و نهادهای دولتی و مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی در سطح ملی...»

۱. بندهای ۸، ۱۰ و ۱۳ سیاست‌های کلی انتخابات

۲. برای مثال در ماده ۹ «قانون شفافیت و نظارت بر تأمین مالی فعالیت‌های انتخاباتی در انتخابات مجلس شورای

انتخاباتی، راستی‌آزمایی می‌شود؛ این امر از یک سو می‌تواند ابزاری بازدارنده در جهت اظهارنظر خلاف واقع نامزدهای انتخابات باشد و از سوی دیگر موجب می‌گردد که نامزدهای رقیب نتوانند نسبت به نامزدهای پاک‌دست که در گذشته فساد مالی و اقتصادی نداشته‌اند، شایعه‌سازی کرده و آنها را با تبلیغات ناصحیح از عرصه رقابت خارج سازند. ممنوعیت تخریب نامزدهای انتخاباتی در بند ۱۵ سیاست‌های کلی انتخابات نیز مورد توجه قرار گرفته و از این رهگذر نیز می‌توان لزوم وضع قوانین و مقررات خاص در ارتباط با شفافیت اموال و دارایی نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری را اصطیاد کرد. همچنان که در بند ۸ همان سند «تعیین قواعد و ضوابط رقابت سیاسی سالم» نیز می‌تواند نشانه‌ای دیگر بر اهمیت موضوع باشد.

۳.۲. شفافیت هزینه‌های تبلیغات انتخاباتی نامزدهای ریاست جمهوری

یکی از دغدغه‌های مهم کاندیداها در کارزار انتخابات، تأمین مالی هزینه‌های تبلیغات است. آنان همواره سعی در تأمین مالی هزینه‌های گزافی دارند که در رقابت‌های انتخاباتی و جلب آرای مردم مصروف می‌دارند. صرف هزینه‌های تبلیغات انتخاباتی نیازمند قواعد و مقرراتی است که این قواعد و مقررات در کشورهای مختلف متفاوت است و به‌طور کلی سه هدف اصلی را دنبال می‌کند: ۱. محدودیت در صرف هزینه‌ها؛ ۲. محدود کردن کمک‌های مالی به رقابت‌های انتخاباتی؛ ۳. تنظیم قواعد و سازوکارهایی برای اعلام و افزایش شفافیت هزینه‌ها (رنجبر، ۱۳۸۴: ۴۹). هزینه‌های تبلیغات و نیز تأمین مالی مبارزات انتخاباتی ارتباط گسترده‌ای با فساد مالی، سلامت انتخابات، رانت‌خواری و رانت‌جویی، اسراف و تبذیر، پول‌شویی و جرائم سازمان‌یافته، دستبرد به بیت‌المال، کاهش یا افزایش تخلفات و جرائم انتخاباتی، سوءاستفاده از اموال و امکانات دولتی، اشرافی‌گری و سرمایه‌داری و... دارد و شفافیت هزینه‌های انتخاباتی تأثیرات مهمی بر هریک از موارد مزبور خواهد داشت (گودوین گیل، ۱۳۷۹: ۱۴۵).

بر اساس قانون انتخابات روسیه، تمام افراد و سازمان‌ها می‌توانند در جهت تأمین مالی کاندیداها مشارکت نمایند، ولی برخی از آنها از این جهت ممنوع شده‌اند که عبارت‌اند از: دولت‌های خارجی، شرکت‌های خارجی، افراد بیگانه، سازمان‌های بین‌المللی، شرکت‌های تجاری روسی با بیش از ۳۰ درصد

اسلامی» مصوب ۱۳۹۸/۱۱/۰۶ مقرر شده است: «نامزدها موظف‌اند تمامی مصارف و مخارج مرتبط با فعالیت‌های انتخاباتی و هزینه‌های تبلیغاتی خود و منابع تأمین مالی این هزینه‌ها و میزان کمک‌های مالی نقدی و غیرنقدی دریافتی را به‌تجو شفاف در سامانه مالی انتخابات ثبت نمایند...».

۱. ۵- ممنوعیت هرگونه تخریب، تهدید، تطمیع، فریب و وعده‌های خارج از اختیارات قانونی و هرگونه اقدام مغایر امنیت ملی نظیر تفرقه‌جویی و مذهبی در تبلیغات انتخاباتی.

سرمایه خارجی، خیریه‌ها و سازمان‌های مذهبی (کدخدایی، ۱۳۸۱: ۴۷). در انگلستان نیز نامزدها باید نماینده‌ای را به‌منظور پرداخت و مسئولیت هزینه‌های خود منصوب نمایند و ظرف ۳۵ روز بعد از انتخابات، حساب مبالغ هزینه‌شده را ارائه دهند؛ ولی درباره احزاب سیاسی شرکت‌کننده در انتخابات، چنین محدودیتی وضع نشده است^۱ (سیفی و همکاران، ۱۳۷۹: ۹۷). در نظام انتخاباتی فرانسه که تأمین مالی هزینه‌ها، مورد توجه قانونگذار قرار گرفته است^۲، نه تنها هزینه‌های انتخاباتی، بلکه مساعدت مالی انتخاباتی نیز محدود شده و مقررات سخت‌گیرانه‌ای در خصوص افشای هزینه‌ها و منشأ آنها مقرر شده است. همچنین در سال ۱۹۹۵ میلادی نیز قانونگذار فرانسه طی مصوبه‌ای، حمایت و تأمین مالی توسط شرکت‌ها را برای احزاب سیاسی و رقابت‌های انتخاباتی ممنوع کرد (کدخدایی، ۱۳۸۶: ۱۹۳).

در کشور ما با توجه به اصل ۴۳ قانون اساسی، اقتصاد جمهوری اسلامی ایران بر منع اسراف و تبذیر در همه شئون مربوط به اقتصاد اعم از مصرف، سرمایه‌گذاری، توزیع و خدمات و نیز جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانه بر اقتصاد کشور، استوار است. شفاف‌سازی هزینه‌های انتخاباتی و نظارت مالی بر آن ارتباط تنگاتنگی با تحقق اهداف موردنظر قانون اساسی دارد؛ چراکه نظارت مالی بر هزینه‌های انتخاباتی نقش مهمی در جلوگیری از نفوذ بیگانگان، پیشگیری از اسراف و تبذیر و حفظ بیت‌المال دارد. در بند ۴ «سیاست‌های کلی انتخابات» نیز مقرر شده است: «تعیین حدود و نوع هزینه‌ها و منابع مجاز و غیرمجاز انتخاباتی، شفاف‌سازی منابع و هزینه‌های انتخاباتی داوطلبان و تشکل‌های سیاسی و اعلام به مراجع ذی‌صلاح و اعمال نظارت دقیق بر آن و تعیین شیوه و چگونگی برخورد با تخلفات مالی». یکی از قوانینی که در همین زمینه به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده، «قانون شفافیت و نظارت بر تأمین مالی فعالیت‌های انتخاباتی در انتخابات مجلس شورای اسلامی» مصوب ۱۳۹۸/۱۱/۰۶ است؛ البته این قانون فقط ناظر بر نامزدهای انتخابات مجلس شورای اسلامی است. در قانون انتخابات ریاست جمهوری مصوب ۱۳۶۴/۴/۵ صرفاً مقررات پراکنده و محدودی در خصوص هزینه‌های تبلیغات انتخاباتی وجود دارد. در قانون «اصلاح ماده‌واحد الحاقی به قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی» مصوب ۱۳۷۰/۵/۶ شیوه‌های تبلیغات انتخاباتی نامزدها و احزاب سیاسی (استفاده از شعارنویسه، کاروان‌های تبلیغاتی...) محدود شده است که در خصوص ریاست جمهوری نیز اجرا می‌شود. بر اساس ماده ۶۱ قانون انتخابات ریاست جمهوری، استفاده از وسایل و سایر امکانات دولتی، مؤسسات و نهادهایی که از بودجه عمومی

۱. بخش‌های ۷۲-۹۰ قانون نمایندگی از سوی مردم.

۲. مواد L.52-4 تا L.52-18 قانون انتخابات فرانسه.

استفاده می‌کنند و نیز مؤسسات و نهادهایی که دارایی آنها از اموال عمومی است، در انتخابات ریاست جمهوری ممنوع شده است. با عنایت به مطالب مذکور، ضروری می‌نماید مجلس شورای اسلامی همان‌طور که در خصوص شفاف شدن هزینه‌های تبلیغات نامزدهای انتخابات مجلس شورای اسلامی قانون خاص به تصویب رسانده است، در راستای تحقق بندهای ۴، ۶ و ۷ سیاست‌های کلی انتخابات، در مورد شفافیت هزینه‌های تبلیغات نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری نیز قانون وضع نماید.

۳. شفافیت ناظر بر عملکرد نهاد ناظر بر انتخابات

نهاد ناظر بر انتخابات می‌تواند با انجام اقداماتی هم به وظیفه ذاتی نظارتی خود پرداخته و هم در جهت ارتقای نظام انتخاباتی شفاف، اقداماتی را انجام دهد که در ذیل به شکل مجزا هر یک از آنها تحلیل و ارزیابی شده است.

۳.۱. پاسخگویی مکتوب در خصوص دلایل ابطال انتخابات و رد صلاحیت داوطلبان

به‌طور کلی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در خصوص ابطال هریک از انتخاباتی که در نظام حقوقی ایران برگزار می‌شود ساکت است و تنها در خصوص توقف در انتخابات مجلس شورای اسلامی و تأخیر در برگزاری انتخابات ریاست جمهوری احکامی را در اصول ۶۸ و ۱۲۰ بیان کرده است. تأیید یا ابطال انتخابات به‌منظور تأمین سلامت انتخابات، جلب مشارکت حداکثری و تأمین حقوق داوطلبان و رأی‌دهندگان در بند ۳۱۱ سیاست‌های کلی انتخابات مورد توجه قرار گرفته و همچنین در بند ۱۱-۲ مقرر شده است: «پاسخگویی مکتوب در خصوص دلایل ابطال انتخابات و رد صلاحیت داوطلبان در صورت درخواست آنان».

در حال حاضر به موجب ماده ۷ «قانون نظارت شورای نگهبان بر انتخابات ریاست جمهوری» مصوب ۱۳۶۴/۴/۴ مجلس شورای اسلامی، «شورای نگهبان در کلیه مراحل در صورت اثبات تخلف با ذکر دلیل

۱. ممنوعیت استفاده از حمایت و امکانات بیگانگان اعم از مالی و تبلیغاتی توسط نامزدها و احزاب و برخورد به‌موقع دستگاه‌های ذی‌ربط.

۲. پیشگیری از جرائم و تخلفات انتخاباتی و هرگونه اقدام مغایر قانون، منافع ملی، وحدت ملی و امنیت ملی و رسیدگی سریع و خارج از نوبت حسب مورد به آنها به‌ویژه جرایم امنیتی، مالی و تبلیغاتی و اقدامات تخریبی ضد داوطلبان.

۳. نظارت شورای نگهبان بر فرایندها، ابعاد و مراحل انتخابات ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان رهبری از جمله تأیید نهایی صلاحیت داوطلبان، رسیدگی به شکایات و تأیید یا ابطال انتخابات به‌منظور تأمین سلامت انتخابات، جلب مشارکت حداکثری و تأمین حقوق داوطلبان و رأی‌دهندگان.

نسبت به ابطال یا توقف انتخابات در سراسر کشور و یا بعضی از مناطق اتخاذ تصمیم کرده و نظر خود را از طریق رسانه‌های همگانی اعلام می‌نماید و نظر شورای نگهبان در این مورد قطعی و لازم‌الاجراست و هیچ مرجع دیگری حق ابطال یا متوقف کردن انتخابات را ندارد». نکاتی که از ماده مذکور قابل برداشت است عبارت‌اند از: اولاً با توجه به سیاق و ظاهر ماده مذکور، شورای نگهبان نسبت به اعلام کردن دلایل ابطال یا توقف انتخابات به داوطلبان الزام نداشته و می‌تواند دلایل خود را اعلام ننماید؛ آنچه به‌عنوان تکلیف برای این نهاد مقرر شده، ابطال یا توقف انتخابات در صورت «اثبات تخلف» است. به همین دلیل شورای نگهبان نمی‌تواند به گزارش‌ها و یا تخلفات اثبات‌نشده، ترتیب اثر دهد و انتخابات را متوقف یا ابطال کند؛ ثانیاً این ماده در مقام تعیین کردن شورای نگهبان به‌عنوان تنها مرجع انحصاری ابطال یا توقف انتخابات ریاست جمهوری بوده است؛ ثالثاً هیچ ضمانت اجرای قانونی جهت استتکاف از این تکلیف قانونی پیش‌بینی نشده است؛ رابعاً اعلام کردن دلایل ابطال یا توقف انتخابات از طریق رسانه‌های گروهی نمی‌تواند تکلیف تعیین‌شده برای این نهاد در «لزوم پاسخگویی مکتوب» در خصوص دلایل ابطال انتخابات «در صورت درخواست داوطلبان» را تأمین کند.

همان‌طور که اشاره شد مبتنی بر بند ۱۱ سیاست‌های کلی انتخابات از آنجا که ابطال انتخابات نسبت به همه بازیگران انتخابات اعم از داوطلبان و رأی‌دهندگان دارای اثر است و می‌تواند در جلب مشارکت حداکثری بسیار مؤثر واقع شود، شورای نگهبان مکلف است دلایل ابطال انتخابات را به شکل مکتوب اعلام کند. نکته دیگر آنکه مجلس شورای اسلامی نمی‌تواند در مقام انجام وظایف نظارتی خود، شورای نگهبان را ملزم نماید تا دلایل ابطال انتخابات را به مجلس ارائه کند. مؤید این برداشت نظر تفسیری شماره ۳۳۴۴ مورخ ۱۳۶۷/۱۰/۰۷ شورای نگهبان است.^۱ در این خصوص رئیس کمیسیون شوراها و امور داخلی مجلس شورای اسلامی طی نامه شماره ۴۳۳-۳۱۳/۲۱۴ مورخ ۱۳۶۷/۱۰/۰۱ از شورای نگهبان خواسته بود تا بر اساس اصل ۲۷۶ قانون اساسی علت ابطال انتخابات پانزده حوزه انتخابیه در مرحله اول دوره سوم، مدارک ابطال را کتباً به این کمیسیون ارسال نمایند که این نهاد بر اساس نظر تفسیری مذکور اعلام کرد: «اصل ۷۶ قانون اساسی شامل مواردی از قبیل مقام معظم رهبری، مجلس خبرگان و شورای نگهبان که مافوق مجلس شورای اسلامی می‌باشند، نمی‌شود»، در نتیجه از ارسال مدارک خود مبنی بر علت ابطال حوزه‌های انتخابیه به کمیسیون مذکور امتناع کرد.

۱. قابل مشاهده در تارنمای اینترنتی سامانه جامع نظرات شورای نگهبان: <https://b.49719n.ir/z2>

۲. اصل ۷۶: مجلس شورای اسلامی حق تحقیق و تفحص در تمام امور کشور را دارد.

یکی دیگر از مواردی که در بند ۱۱-۲ سیاست‌های کلی انتخابات مورد تأکید قرار گرفته است پاسخگویی مکتوب در خصوص دلایل رد صلاحیت داوطلبان در صورت درخواست آنان است.^۱ به‌طور کلی باید گفت موجه‌سازی عقلانی و منطقی نتیجه بررسی صلاحیت‌های نامزدهای انتخابات نقش بسیار بزرگی در اقناع افکار عمومی و خود نامزدها دارد؛ چراکه توجیه عقلی و منطبق با نظام ارزشی و عرفی حاکم بر جامعه، اعتماد و اطمینان عموم به اصالت و حقانیت بررسی صلاحیت نامزدهای انتخابات را افزایش می‌دهد. زمانی می‌توان به مدیریت انتخابات در جهت تأیید یا رد صلاحیت کاندیداها اعتماد و اطمینان داشت که فرایند رسیدگی‌ها به‌طور شفاف و روشن صورت گرفته باشد. به‌عبارت دیگر باید مشخص شود نهاد مدیریت انتخابات چگونه و از چه طریقی و در اثر چه اقدامات و اعمالی به نتیجه تأیید و یا رد صلاحیت کاندیداها رسیده است (خسروی، ۱۳۸۷: ۳۰۹)، چراکه رد صلاحیت داوطلبان در حقوق افراد، اثر بسزایی خواهد داشت و لذا پیش‌بینی سازوکار دقیق و شفاف برای حفظ حق دفاع برای این داوطلبان ضروری است (عطریان، ۱۳۹۶: ۱۴۴). شفافیت و اعلام دلایل رد صلاحیت نامزدهای انتخابات می‌تواند از نفوذ فعالیت‌های سلیقه‌ای و سیاسی در تشخیص واجدین شرایط و اطمینان از اصالت آنها مؤثر واقع شود. ناظران در فرایند نظارت حق تجاوز از مسیر طراحی‌شده قانونی را ندارند و بر اساس اصل حاکمیت قانون در تأیید و رد صلاحیت نامزدها، مقامات ناظر باید در انجام وظایف خویش صرفاً قانون را معیار قرار دهند و به‌نحوی عمل کنند که تصمیمات و اقداماتشان برای مجموعه انتخاب‌شوندگان و انتخاب‌کنندگان مبتنی بر قانون باشد و توجیهات حقوقی آنها مستند و مستدل قلمداد شود (فتاحی زفرقندی، ۱۳۹۷: ۳۸).

در حال حاضر مطابق «ماده‌واحد قانونی لزوم رسیدگی دقیق به شکایات داوطلبان رد صلاحیت شده در انتخابات مختلف» مصوب ۱۳۷۸، چنانچه مراجع صالح رسیدگی به صلاحیت‌ها، صلاحیت داوطلبی را رد کنند، باید علت رد صلاحیت را با ذکر مواد قانونی مورد استناد و دلایل مربوط و رعایت شرایط مذکور در این قانون به داوطلب ابلاغ نمایند. هرچند بر اساس این قانون در مواردی که دلایل و مدارک با عفت عمومی یا هتک حیثیت اشخاص مرتبط باشد و نیز در مواردی که مربوط به امنیت ملی باشد، محدودیت‌هایی برای اعلام مدارک و مستندات در نظر گرفته شده است.^۲ شایان ذکر است مرجع رسیدگی کننده به صلاحیت داوطلبان

۱. ۱۱-۲- پاسخگویی مکتوب در خصوص دلایل ابطال انتخابات و رد صلاحیت داوطلبان در صورت درخواست آنان.

۲. «ماده‌واحد-... ب) در موردی که دلایل و مدارک با عفت عمومی و یا هتک حیثیت اشخاص مرتبط می‌شود، چنانچه شخص داوطلب در معرض هتک باشد دلایل و مدارک حضوراً به اطلاع وی می‌رسد و در صورتی که پس از اطلاع حضوری، فی‌المجلس به‌طور کتبی تقاضا کند دلایل و مدارک مربوط، کتباً به وی ابلاغ می‌شود.

ج) چنانچه ذکر دلایل و مدارک علاوه بر هتک حیثیت داوطلب متضمن هتک فرد یا افراد دیگر باشد، دلایل و مدارک

موظف است که در صورت درخواست داوطلبان، علاوه بر آنکه علت رد صلاحیت را با ذکر مواد و مدارک قانونی مورد استناد و دلایل مربوط به داوطلب بیان نماید، ضروری است که به صورت عینی مصادیق و مستندات عدم رعایت شرایط مذکور را اعلام نماید و به بیان کلیات اکتفا نکند.

نکته دیگر آن است که ممکن است بر اساس یک فرض این شبهه مطرح شود که آنچه در بند (۱۱-۲) سیاست‌های کلی انتخابات مورد اشاره قرار گرفته، ناظر بر انتخابات مجلس شورای اسلامی است و ارتباطی به انتخابات ریاست جمهوری ندارد. به عبارت دیگر چون در بند مذکور عبارت «رد صلاحیت داوطلبان» به کار رفته است و در انتخابات ریاست جمهوری رد صلاحیت وجود ندارد، این بند از سیاست‌های کلی انتخابات منصرف از انتخابات ریاست جمهوری است. در پاسخ به این شبهه و در فرض مقابل باید بیان کرد به نظر می‌رسد اولاً با توجه به شأن و ساحت سیاست‌های کلی نظام، حکم مقرر شده در بند فوق ناظر به تمامی انتخاباتی است که در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران برگزار می‌شود، ثانیاً واژه «داوطلبان» در این بند از سیاست‌ها اطلاق داشته و اطلاق آن شامل همه داوطلبان انتخابات از جمله انتخابات ریاست جمهوری نیز می‌شود، ثالثاً عبارت «رد صلاحیت داوطلبان» عام است و شامل موارد «عدم احراز صلاحیت داوطلبان» نیز می‌شود، چراکه نهایتاً داوطلبان ریاست جمهوری که صلاحیت آنها احراز نشده است، نمی‌توانند وارد رقابت انتخاباتی با سایرین شوند.

۲.۳. فراهم کردن حضور داوطلبان یا نمایندگان آنها در تمام مراحل انتخابات

یکی دیگر از موضوعاتی که به منظور تأمین سلامت انتخابات، جلب مشارکت حداکثری و تأمین حقوق داوطلبان و رأی‌دهندگان در سیاست‌های کلی انتخابات مورد توجه و به نحوی جزء وظایف شورای نگهبان قرار گرفته است، فراهم کردن حضور داوطلبان یا نمایندگان آنها در تمام مراحل انتخابات است. مقصود از حضور داوطلبان در تمام مراحل انتخابات هم به معنای حضور فیزیکی و هم به معنای دسترسی و اطلاع داشتن از کلیه مراحل انتخابات اعم از بررسی صلاحیت، حضور در پای صندوق‌های رأی، شمارش آرا و رسیدگی به شکایات است (طحان نظیف و کدخدامرادی، ۱۳۹۸: ۱۱۳۳). در بند ۱-۱۱ سیاست‌های مذکور تصریح شده است «تعیین سازوکارهای شفاف، زمان‌بندی شده و اطمینان‌بخش و فراهم کردن حضور داوطلبان یا نمایندگان آنها در تمام مراحل». مستفاد از این بند اولاً قید «تمام مراحل» در بند مذکور،

فقط حضوری به اطلاع داوطلب می‌رسد.

د) در مورد مربوط به امنیت ملی اعلام دلایل و مدارک و نحوه اعلام آن‌ها به داوطلب به تشخیص کمیسیون با عضویت رئیس ستاد فرماندهی کل قوا و وزیر اطلاعات و وزیر کشور خواهد بود.»

موضوعیت داشته و منشأ اثر است. بر همین اساس قانون انتخابات ریاست جمهوری باید به نحوی تکمیل و اصلاح گردد که داوطلبان یا نمایندگان آنها بدون منع قانونی بتوانند در «تمام مراحل» انتخابات حضور داشته باشند و از نزدیک در جریان جزئیات برگزاری انتخابات قرار گیرند. در صورتی که این امر محقق شود داوطلبان، نمایندگان آنها و حامیان آنها در صورتی که برنده انتخابات نباشند از اعتراض‌های بدون دلیل و شکایات فاقد مستندات آنها جلوگیری به عمل خواهد آمد، همچنین در صورتی که عوامل اجرایی و یا نظارتی قصد انجام تخلف را داشته باشند، با حضور داوطلبان و یا نمایندگان آنها تخلفات و جرائم به حداقل خواهد رسید و اثر بازدارندگی خواهد داشت؛ ثانیاً قید «اطمینان‌بخش» مشخص می‌کند سازوکارهای پیش‌بینی شده در قانون باید به نحوی تنظیم و تنسیق یابد که بتواند اطمینان داوطلبان و یا نمایندگان آنها را از سلامت انتخابات حاصل نماید. تحقق این معیار، می‌تواند زمینه‌ساز تحقق معیار شفافیت به‌شمار آید. به عبارت دیگر راهکار ارائه شده در صدد است با دخیل کردن و آگاه کردن بازیگران انتخاباتی، به نحوی فرایند انتخابات را سامان بخشد که سلامت و شفافیت در انتخابات به نحو حداکثری تأمین شود و در نتیجه جلب حداکثری مشارکت آحاد مردم را به دنبال داشته باشد.

در حال حاضر مطابق با «قانون حضور نمایندگان نامزدهای ریاست جمهوری در شعب اخذ رأی» مصوب ۱۳۷۹/۰۵/۳۰ مجلس شورای اسلامی و آیین‌نامه اجرایی قانون مذکور مصوب ۱۳۸۰/۰۲/۱۶ هیأت وزیران، احکامی جهت حضور نمایندگان نامزدها در شعب اخذ رأی پیش‌بینی شده است. مطابق با قانون مذکور «هریک از نامزدهای ریاست جمهوری به تنهایی و یا چند نامزد مشترکاً می‌توانند در هر یک از شعب اخذ رأی، اماکن استقرار دستگاه شمارشگر رایانه‌ای آرا و هیأت‌های اجرایی شهرستان‌ها و بخش‌ها، یک نفر نماینده داشته باشند» و «در صورت مشاهده تخلف، مراتب را کتباً به ناظرین شورای نگهبان و هیأت نظارت شهرستان و استان مربوطه و ستاد انتخابات وزارت کشور اعلام نمایند». در این قانون ممانعت از حضور نمایندگان نامزدها جرم‌انگاری شده و برای آن نیز ضمانت اجرای قانونی پیش‌بینی شده است.^۱

یکی از مواردی که می‌تواند ضرورت اصلاح و تکمیل قوانین و مقررات در این حوزه را اثبات نماید، عدم پیش‌بینی حضور داوطلبان یا نمایندگان آنها در «تمام مراحل انتخابات» است. برای مثال نمایندگان نامزدها در زمان لاک و مهر کردن صندوق‌های اخذ رأی حضور نداشته و نمی‌توانند خالی بودن آنها را

۱. ماده واحده: «... حضور نمایندگان هر یک از نامزدها تا پایان اخذ رأی و شمارش و تنظیم صورت‌جلسات بلا مانع است و ممانعت از حضور نمایندگان نامزدها در شعب اخذ رأی، اماکن استقرار دستگاه شمارشگر ممنوع بوده و جرم محسوب می‌گردد و متخلف به مجازات مقرر شده در تبصره ماده ۹۳ قانون انتخابات ریاست جمهوری محکوم خواهد شد.»

گواهی کنند، چراکه بر اساس ماده ۱۲۹ قانون انتخابات ریاست جمهوری تنها این امکان برای نماینده یا نمایندگان هیأت نظارت، پیش‌بینی شده است. همچنین در زمان تجمیع و شمارش نهایی آرای اخذشده^۱، نمایندگان نامزدها حضور ندارند. پیشنهاد می‌شود مجلس شورای اسلامی در مقام برطرف کردن خلأهای موجود و تأمین بند ۱-۱۱ سیاست‌های کلی انتخابات، قوانین مذکور را به‌نحوی اصلاح و تکمیل نماید که داوطلبان و یا نمایندگان آنها نیز بتوانند در مراحل مورد اشاره با مجوز قانونی حضور داشته و از خالی بودن صندوق‌ها اطمینان حاصل نمایند تا هم از شائبه تقلب و تخلف در مواردی که تخلف و تقلبی صورت نگرفته است، جلوگیری به‌عمل آید و هم در حوزه‌های انتخابیه‌ای که عوامل اجرایی و نظارتی از یک جریان سیاسی خاص پیروی می‌نمایند و قصد پر کردن صندوق‌های اخذ رأی به نفع داوطلب موردنظر خود را دارند، جلوگیری شود.

۳.۳. پاسخگویی مسئولانه و به‌موقع مراجع ذی‌صلاح در احراز صلاحیت داوطلبان

یکی از موضوعات حائز اهمیت در فرایند رسیدگی به صلاحیت‌های داوطلبان، تعیین بازه زمانی در خصوص تعیین تکلیف وضعیت نامزدهاست. در بند ۳-۱۰ سیاست‌های کلی انتخابات مقرر شده است: «بررسی دقیق و احراز شرایط لازم برای صلاحیت نامزدها با پیش‌بینی زمان کافی در چارچوب قانون هر انتخابات از طریق استعلام از مراجع ذی‌صلاح و پاسخگویی مسئولانه و به‌موقع آنها». بر همین اساس باید گفت اولاً بررسی «دقیق و احراز شرایط لازم» برای صلاحیت نامزدها، با پیش‌بینی زمان کافی در چارچوب قانون هر انتخابات ممکن خواهد بود و در صورتی که در قوانین انتخاباتی زمان کافی جهت احراز شرایط نامزدها پیش‌بینی نشده باشد می‌تواند در تأیید و رد صلاحیت نامزدها تأثیر بسزایی داشته باشد و حقوق داوطلبان را تحت‌الشعاع قرار دهد. رعایت «حق داوطلبان» و «حق الناس» در منظومه فکری رهبر

۱. ماده ۲۹- قبل از شروع رأی‌گیری باید در حضور نماینده یا نمایندگان هیأت نظارت، صندوق‌های خالی، بسته و مهور به مهر شعبه ثبت‌نام و اخذ رأی گردد و در صورت جلسه‌ای که قبل از شروع رأی‌گیری انتخابات توسط اعضای صندوق در محل اخذ رأی تنظیم می‌گردد، نماینده یا نمایندگان هیأت نظارت شعبه مربوطه، تعداد صندوق‌ها و خالی بودن آنها را گواهی نمایند و در صورتی که در جریان رأی‌گیری نیاز باشد که صندوقی را اضافه نمایند، باید به همین ترتیب عمل نموده و صورت‌جلسه گردد.

۲. تبصره ۸ ماده ۳۱ (اصلاحی ۱۳۹۱/۱۰/۲۶) قانون انتخابات ریاست جمهوری: «نتیجه شمارش آرای انتخابات ریاست جمهوری پس از وصول گزارش هیأت اجرایی مرکزی، به‌وسیله وزیر کشور اعلام می‌شود و تأیید نهایی صحت انتخابات بر عهده شورای نگهبان است.»

انقلاب نیز همواره مورد تأکید بوده است.^۱ از این رو پیش‌بینی زمان کافی جهت بررسی صلاحیت نامزدها توسط قانون‌گذار لازم و ضروری است؛ ثانیاً مراجع ذی‌صلاح باید پاسخ استعلامات را به‌موقع بدهد و از تأخیر پرهیز نمایند و همچنین خود را در قبال پاسخ استعلامات مسئول و پاسخگو بدانند. به عبارت دیگر از آنجا که شورای نگهبان در احراز صلاحیت نامزدهای انتخابات پاسخ استعلام مراجع ذی‌صلاح قانونی را مورد توجه قرار می‌دهد و اسناد ارائه‌شده را نزد هیچ مقام و مرجع دیگری اعتبارسنجی نمی‌کند، آن سند برای شورای نگهبان حجت است (فتاحی زفرقندی، ۱۳۹۷: ۱۵۴). بنابراین لازم و ضروری است این مراجع تمام تلاش خود را به کار گیرند تا پاسخی مطابق با واقعیت دهند و در قبال عملکرد خود در این زمینه پاسخگو باشند. اهمیت این موضوع زمانی بیشتر نمایان می‌شود که با حجم زیادی از داوطلبان ریاست جمهوری مواجه باشیم و شورای نگهبان بازه زمانی کوتاهی جهت بررسی صلاحیت آنها داشته باشد. به همین دلیل در ذیل بند صدرالذکر از سیاست‌های کلی انتخابات، «پاسخگویی مسئولانه» مورد توجه و تأکید قرار گرفته است. بر همین اساس لازم و ضروری می‌نماید در قوانین عادی نیز برای امر مذکور ضمانت اجرای قانونی پیش‌بینی گردد.

در حال حاضر بر اساس بند ۹ اصل ۱۱۰ قانون اساسی^۲ احراز صلاحیت نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری بر عهده شورای نگهبان قرار دارد. مبتنی بر این اصل شورای نگهبان وظیفه احراز صلاحیت‌های داوطلبان انتخابات ریاست جمهوری را مستقیماً بر عهده دارد و تنها مرجع صالح رسیدگی به صلاحیت داوطلبان در این انتخابات محسوب می‌شود. در این زمینه شورای نگهبان از تاریخ وصول مدارک ظرف پنج روز که حداکثر به مدت پنج روز دیگر قابل تمدید است، به صلاحیت داوطلبان رسیدگی و نظر خود را به وزارت کشور اعلام می‌کند.^۳ لذا از آنجا که اغلب در انتخابات ریاست جمهوری با تعداد کثیری از داوطلبان مواجهیم، پیشنهاد می‌گردد یا زمان‌های پیش‌بینی ده جهت بررسی صلاحیت

۱. «... یکی از حقوق مردم، رعایت حق این داوطلبی است که می‌آید و وارد این میدان می‌شود و نامزد انتخابات می‌شود که اگر آدم صالحی است، ما او را رد نکنیم، میدان بدهیم به اینکه او بیاید. نقطه مقابلش هم همین جور است؛ اگر چنانچه آدم ناصالحی است، راهش ندهیم؛ چنانچه در این مجلس -حالا چه مجلس خبرگان، چه مجلس شورای اسلامی، چه در هر جایی که انتخابات هست- آدمی باشد که صلاحیت قانونی ورود در اینجا را نداشته باشد و ما از این اغماض کنیم.. او وارد بشود، این هم باطل کردن حق مردم است». بیانات در دیدار ائمه جمعه سراسر کشور در تاریخ

۱۳۹۴/۱۰/۱۴. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=۳۱۸۴>

۲. «امضای حکم ریاست جمهوری پس از انتخاب مردم صلاحیت داوطلبان ریاست جمهوری از جهت دارا بودن شرایطی که در این قانون می‌آید، باید قبل از انتخابات به تأیید شورای نگهبان و در دوره اول به تأیید رهبری برسد.»

۳. ماده (۵۷) «قانون انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران»

نامزدها و تجدیدنظر در آن افزایش یابد و یا در مرحله ثبت‌نام و پیش از شروع فرایند رسیدگی به صلاحیت‌ها شروطی در قانون پیش‌بینی شود تا تعداد ثبت‌نام‌کنندگان با بازه زمانی رسیدگی به صلاحیت‌ها تناسب داشته باشد و از حجم بالای داوطلبانی که باید شرایط آنها احراز شود جلوگیری شود. برای نمونه در یازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری ۶۸۶ نفر، در دوازدهمین دوره این انتخابات ۱۶۳۶ نفر (بهادری جهرمی و باقری خوزانی، ۱۳۹۷: ۱۲۱) و در سیزدهمین دوره از این انتخابات ۵۹۲ نفر در مهلت مقرر قانونی ثبت‌نام کردند^۱ که نشان از ثبت‌نام تعداد بسیار زیادی از داوطلبان دارد.

۴. شفافیت ناظر بر عملکرد مجری انتخابات

مجری انتخابات نقش بسزایی در جهت حداکثرسازی شفافیت در فرایند اخذ و شمارش آرای انتخاب‌کنندگان دارد که در ذیل راهکارهای آن ارائه شده است.

۱.۴. شفاف‌سازی شیوه اخذ و شمارش آرا

شفافیت در رأی‌گیری و شمارش آرا از مهم‌ترین مؤلفه‌های حفظ اعتماد عموم شرکت‌کنندگان در انتخابات و جلوگیری از تخلفات و جرائم انتخاباتی به منظور افزایش سلامت آن است. امری که در بند ۲۷ سیاست‌های کلی انتخابات نیز تصریح شده است. برای مثال در صورتی که فرایند رأی‌گیری به نحوی باشد که مشخص نباشد فرد رأی‌دهنده چند بار در فرایند رأی‌گیری شرکت کرده است، می‌تواند چند بار رأی خود را به صندوق اندازد و زمینه پیروزی انتخاب‌شونده را به نحو تقلب فراهم سازد.

در حال حاضر به موجب ماده ۱۹ (اصلاحی ۱۳۹۲/۰۳/۲۰) قانون انتخابات ریاست جمهوری، هر شخص واجد شرایط می‌تواند فقط یک بار با ارائه شناسنامه و شماره ملی خود رأی دهد. مستفاد از بندهای ۱۱ و ۱۱-۱ سیاست‌های کلی انتخابات، تأمین سلامت انتخابات، جلب مشارکت حداکثری و تأمین حقوق داوطلبان و رأی‌دهندگان در بستر «تعیین سازوکارهای شفاف و اطمینان‌بخش» در فرایند رأی‌گیری و شمارش آرا خواهد بود. در بند ۱۵ سیاست‌های مذکور نیز مقرر شده است «پاسداری از آزادی و سلامت انتخابات و حق انتخاب آزادانه افراد و صیانت از آرای مردم به‌عنوان حق الناس» و «رعایت کامل بی‌طرفی از سوی مجریان و ناظران» که همگی می‌تواند در گرو شفاف‌سازی فرایند اخذ رأی و

۱. قابل دسترس در پایگاه اینترنتی شورای نگهبان <https://b2n.ir/r51828>

۲. ۷- پیشگیری از جرایم و تخلفات انتخاباتی و...

شمارش آن باشد. در زمینه شفافیت فرایند رأی‌گیری پیشنهاد نصب و استفاده از دوربین در شعب اخذ رأی در کشف و پیشگیری از فساد می‌تواند کارآمد باشد. شایان ذکر است مراد از شفافیت در رأی‌گیری، شفافیت آرای شرکت‌کنندگان در انتخابات نیست. به عبارت دیگر مخفی بودن رأی یکی از استثنائات شفافیت رأی‌گیری است. مخفی بودن رأی در انتخابات مجلس شورای اسلامی در قانون اساسی تصریح شده^۱، اما نسبت به انتخابات ریاست جمهوری قانون مذکور ساکت است. با این حال در ماده ۱۰ قانون «انتخابات ریاست‌جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۴/۰۴/۰۵ مجلس شورای اسلامی» بیان شده است: «انتخابات به صورت مستقیم و عمومی و با رأی مخفی خواهد بود». از همین رو ضروری می‌نماید «محل‌های رأی‌گیری»، «صندوق‌های اخذ رأی» و «برگه‌های اخذ رأی» در فرایند برگزاری انتخابات به نحوی باشد که اصل مخفی بودن رأی را تضمین کند. به همین دلیل در برخی کشورها برای تضمین این مهم، در کنار صندوق‌های اخذ رأی، اتاقک‌های انتخاباتی که از سه طرف محصورند، پیش‌بینی می‌شود تا تنها شخص رأی‌دهنده وارد آنجا شود و بدون هیچ بیم، تهدید و القایی برگ رأی خود را تکمیل کند. برای نمونه در فرانسه در زمان برگزاری انتخابات و اخذ رأی، اتاق‌های انتخاباتی تعبیه می‌شوند تا فرد رأی‌دهنده رأی خود را در آن محل نوشته و سپس در منظر مسئول یا مسئولان در صندوق اخذ رأی بیندازد (احمدی، ۱۳۸۹: ۳۱۰).

۲.۴. استفاده از فناوری‌های نوین در انتخابات

امروزه گسترش استفاده از فناوری‌های پیشرفته، زمینه بهبود فرایند انتخابات را فراهم کرده است؛ به همین دلیل در سال‌های اخیر، دست‌اندرکاران انتخابات به شکل گسترده‌ای به انتخابات الکترونیکی توجه کرده‌اند (زرافشان و حسینی‌پور، ۱۳۹۴: ۱۰). بهره‌گیری از «فناوری‌های نوین» در جهت «حداکثرسازی شفافیت» در بند ۲۱۲ سیاست‌های کلی انتخابات مورد تأکید واقع شده است که از جمله آثار مهم آن «سرعت» و سلامت در اخذ و شمارش آرا و «اعلام نتایج» است. به نظر می‌رسد هرگونه تأخیر در شمارش آرا و اعلام نتایج اولیه تأثیر بسیار منفی بر مشروعیت و اعتبار انتخابات خواهد گذارد. به همین دلیل سرعت در برگزاری انتخابات همواره به‌عنوان عاملی مطلوب در نظام‌های انتخاباتی قلمداد می‌شود و از طرف دیگر در وقت و تلاش صرفه‌جویی می‌شود (واعظی و شعبانی، ۱۳۹۸: ۵۷). بدیهی است با

۱. اصل ۶۲ قانون اساسی: «مجلس شورای اسلامی از نمایندگان ملت که به‌طور مستقیم و با رأی مخفی انتخاب می‌شوند تشکیل می‌گردد.»

۲. بهره‌گیری از فناوری‌های نوین در جهت حداکثرسازی شفافیت، سرعت و سلامت در اخذ و شمارش آرا و اعلام نتایج.

بهره‌گیری از فناوری‌های نوین با حذف قابل توجه عوامل انسانی و با بهره‌گیری از سیستم‌ها و دستگاه‌های دیجیتالی به لحاظ سرعت‌بخشی به فرایند انتخابات به‌نحو بسیار مطلوبی کمک خواهد شد. رأی‌دهندگان به‌راحتی و بعضاً از منزل یا محیط کار خود و بدون صرف زمان زیاد و صرفاً با چند کلیک یا حتی با تلفن همراه خود در کمترین زمان ممکن و بدون تشریفات دست و پاگیر رأی می‌دهند و در سیستم‌ها ثبت و ضبط می‌شود. از جمله محاسن بهره‌گیری از فناوری‌های نوین می‌توان به کاهش هزینه‌های زیاد برگزاری انتخابات در کشور اشاره کرد. در کشور ما به‌دلیل به‌کارگیری عوامل زیاد نیروی انسانی به‌عنوان عوامل اجرایی و نظارتی همواره هزینه مالی سنگینی بر نظام تحمیل می‌شود و از این‌رو حذف قابل توجهی از عوامل انسانی که به سلامت انتخابات نیز لطمه وارد نسازد، ضروری می‌نماید.

در انتخابات ریاست جمهوری در ماده ۹ الحاقی به «قانون انتخابات ریاست‌جمهوری اسلامی ایران» (مصوب ۱۳۷۲/۰۱/۱۷ و اصلاحی ۱۳۷۲/۰۲/۲۸) به بهره‌گیری از شیوه‌های نوین و فناوری‌های الکترونیکی تا حدودی توجه شده است. به موجب این ماده «چنانچه در همه یا بعضی از شهرستان‌های یک استان، شمارش آرا با دستگاه شمارشگر صورت پذیرد، سیستم کامپیوتری انتخابات باید به‌نحو طراحی و اجرا شود که دسترسی به نرم‌افزارها و سخت‌افزارهای آن در کلیه مراحل انتخابات، بدون حضور نمایندگان شورای نگهبان میسر نباشد. تصمیمات لازم جهت حفظ نرم‌افزارها و سخت‌افزارها مشترکاً توسط شورای نگهبان و وزارت کشور اتخاذ می‌شود و کلیه نسخه‌های نرم‌افزاری قبل از انتخابات به تأیید شورای نگهبان رسیده و مهر و موم (قفل نرم‌افزاری) می‌شود تا در زمان مورد توافق با حضور نمایندگان شورای نگهبان و وزارت کشور روی سیستم‌های کامپیوتری هر حوزه انتخاباتی نصب و راه‌اندازی شود. هرگونه تغییر در نرم‌افزارها باید با اطلاع و تأیید شورای نگهبان انجام گیرد». همان‌گونه که مشاهده می‌شود این ماده، صرف‌نظر از اینکه تنها به مرحله شمارش آرا اشاره کرده و دیگر مراحل انتخابات نظیر ثبت‌نام و اخذ رأی را مطرح نکرده است، به نوع سیستم و ابزارهای برگزاری انتخابات الکترونیکی نیز هیچ‌گونه اشاره‌ای نداشته و صرفاً به آنچه باید در استفاده از این شیوه مدنظر قرار بگیرد، توجه کرده است. علاوه بر این در خصوص «سرعت» در انجام فرایند اخذ رأی و یا «اعلام نتایج» که در سیاست‌های کلی انتخابات مورد تأکید واقع شده است، هیچ ضابطه و یا حکمی تعیین نشده است.

با عنایت به مطالب مذکور پیشنهاد می‌گردد اولاً مجلس شورای اسلامی مبتنی بر تکلیف تعیین شده در بند ۱۲ سیاست‌های کلی انتخابات، به شکل منجز و دقیق احکام مربوط به نحوه احراز هویت افراد، مدت زمان برگزاری انتخابات، رأی‌گیری از افرادی که در خارج از کشور زندگی می‌کنند، حوزه‌های اخذ رأی، نحوه ثبت‌نام نامزدها و رأی‌دهندگان، نحوه و زمان شمارش آرا، امکان رأی سفید، نمایش نامزدها روی فرم‌های

الکترونیکی به صورت بی طرفانه، حضور کارشناس فنی، تکلیف مجریان در صورت اختلال در فرایند رأی گیری و ... را در قانون انتخابات ریاست جمهوری تعیین تکلیف کند؛ ثانیاً آیین نامه های اجرایی نیز باید به نحوی تنظیم و تصویب شود که زمینه اجرایی استفاده از فناوری های نوین فراهم شود؛ ثالثاً در مقام عمل و اجرا، زیرساخت های لازم و فنی توسط دستگاه ها و سازمان های متولی باید به نحوی آماده سازی شود تا این امر در حد پیش بینی در قوانین و مقررات متوقف نشده و عملیاتی و اجرایی شود. کما اینکه در برخی از ادوار برگزاری انتخابات ریاست جمهوری، شورای نگهبان با توجه به آماده نبودن زیرساخت های لازم به لحاظ فنی و عدم اطمینان از سلامت انتخابات (اصل مخفی بودن رأی و صیانت از آرای شرکت کنندگان، اضافه کردن آرای داوطلبان به نحو تقلب، نبود بسترهای مناسب الکترونیکی و...)، با برگزاری انتخابات به شیوه تماماً الکترونیکی و در همه شعب اخذ رأی مخالفت کرده است (بهادری جهرمی و باقری خوزانی، ۱۳۹۷: ۸۳).

۶. نتیجه

شفاف سازی فرایندهای انتخابات، می تواند ساختار سالمی برای «انتخابات درست» و «انتخاب درست» فراهم نماید. بر همین اساس سنجه شفافیت بر کل بازیگران انتخابات، یعنی نامزدهای انتخاباتی و نهاد ناظر و مجری قابل تعمیم است. سیاست های کلی انتخابات به عنوان یک سند بالادستی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، بایسته های نظام انتخاباتی شفاف را تعیین کرده است که با نسبت سنجی بین سیاست های مذکور و قانون انتخابات ریاست جمهوری نتایج ذیل حاصل شد.

با توجه به آنکه برخی از شرایط مصرح در اصل ۱۱۵ ساحت کیفی دارد و همین امر موجب برداشت های گوناگون توسط مقام رسیدگی کننده به صلاحیت نامزدها می شود، پیشنهاد می شود مجلس شورای اسلامی مبتنی بر بندهای متعدد سیاست های کلی انتخابات از جمله بندهای ۱۰، ۱-۱۰ و ۲-۱۰ و به استناد اصل ۷۱ قانون اساسی، علاوه بر تعیین شرایط عمومی رئیس جمهور، معیارها و شرایط رئیس جمهور را در چارچوب اصل ۱۱۵ به شکل دقیق تر و شفاف تعیین کنید. اظهار نظر شورای نگهبان راجع به «طرح اصلاح قانون انتخابات ریاست جمهوری» مصوب ۱۳۹۹/۱۰/۲۱، می تواند مؤیدی بر این برداشت باشد.

سلامت اقتصادی نامزدها از دیگر مسائل مهم و ضروری انتخابات ریاست جمهوری است که می تواند نقش بسزایی در جلب مشارکت عمومی در انتخابات داشته باشد که تاکنون سازوکاری جهت تضمین آن در قوانین و مقررات انتخابات ریاست جمهوری پیش بینی نشده است. این امر به شکل ویژه در بند ۱-۱۰ سیاست های کلی انتخابات مورد تأکید قرار گرفته است؛ بر همین اساس لازم و ضروری است مجلس شورای اسلامی در این زمینه قانون گذاری نماید.

در مورد شفافیت هزینه‌های تبلیغات انتخاباتی نامزدهای ریاست جمهوری پیشنهاد می‌شود مجلس شورای اسلامی همچون «قانون شفافیت و نظارت بر تأمین مالی فعالیت‌های انتخاباتی در انتخابات مجلس شورای اسلامی» مصوب ۱۳۹۸/۱۱/۰۶ و در راستای تحقق بندهای ۴، ۶ و ۷ سیاست‌های کلی انتخابات، قانون وضع نماید.

بر اساس بند ۱۱-۲ سیاست‌های کلی انتخابات، در صورتی که داوطلبان ریاست جمهوری درخواست کنند، شورای نگهبان مکلف است دلایل ابطال انتخابات را به شکل مکتوب در اختیار آنان قرار دهد. بنابراین لازم است این مهم در جهت تأمین حقوق داوطلبان و رأی‌دهندگان در قوانین مربوط به انتخابات ریاست جمهوری پیش‌بینی شده و برای مستنکفین، ضمانت اجرای قانونی پیش‌بینی شود. مطابق با بند مذکور، پاسخگویی مکتوب در خصوص دلایل رد صلاحیت داوطلبان نیز در صورت درخواست آنان، از دیگر حقوق داوطلبان بوده که لازم است علاوه بر ذکر مواد قانونی مورد استناد در رد صلاحیت، به صورت عینی مصادیق و دلایل و مستندات نبود شرایط مذکور اعلام شده و به ذکر کلیات اکتفا نگردد.

بهره‌گیری از فناوری‌های نوین در جهت حداکثرسازی شفافیت، سرعت و سلامت در اخذ و شمارش آرا و اعلام نتایج از دیگر بایسته‌های نظام انتخاباتی شفاف است که در بند ۱۲ سیاست‌های کلی انتخابات مورد تأکید واقع شده است. در حال حاضر اولاً در قانون انتخابات ریاست جمهوری حوزه شمول استفاده از فناوری‌های نوین به شکل کلی و مبهم بیان شده و ثانیاً مقررات لازم در این حوزه باید به نحوی تنظیم و تصویب گردد که امکان برگزاری و نظارت شورای نگهبان در جهت صیانت از آرا فراهم شود.

منابع

– فارسی

الف) کتاب‌ها

۱. احمدی، علی (۱۳۸۹). *انتخابات در ایران*. تهران: میزان.
۲. خسروی، حسن (۱۳۸۷). *حقوق انتخابات دموکراتیک*. تهران: مجد.
۳. عطریان، فرامرز (۱۳۹۶). *حقوق اداری تطبیقی: اداره خوب (مطالعه تطبیقی نظام حقوقی ایران و اتحادیه اروپا)*. تهران: میزان.
۴. فتاحی زفرقندی، علی (۱۳۹۷). *شورای نگهبان؛ نظارت بر انتخابات*. تهران: پژوهشکده شورای نگهبان.
۵. گودوین گیل، گای اس (۱۳۷۹). *انتخابات آزاد و منصفانه در حقوق و رویه بین‌المللی*، ترجمه سید جمال سیفی و سید قاسم زمانی، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.

(ب) مقالات

۶. باقری خوزانی، محمدحسن؛ عطریان، فرامرز و مسعود، غلامحسین (۱۴۰۰). حدود صلاحیت مجلس شورای اسلامی در تفصیل و تبیین شرایط رئیس‌جمهور با تأکید بر سیاست‌های کلی انتخابات. *فصلنامه دانش حقوق عمومی*، ۳۳، ۵۷-۸۲.
۷. بخشایش اردستانی، احمد و دشتی، فرزانه (۱۳۹۲). مردم‌سالاری در حکومت امام علی (ع). *پژوهشنامه علوی*، ۸، ۳۹-۶۸.
۸. تقی‌زاده، جواد (۱۳۸۵). شرایط خاص انتخاب‌پذیری در انتخابات سیاسی. *مجله حقوق اساسی*، ۷ و ۶، ۵۷-۸۰.
۹. حبیب‌نژاد، احمد و عامری، زهرا (۱۳۹۵). شاخص‌های شفافیت در حکومت اسلامی (با تأکید بر حکومت علوی). *حقوق اسلامی*، ۴۹، ۱۲۹-۱۵۷.
۱۰. ساریخانی، عادل و اکرمی سراب، روح‌الله (۱۳۹۲). کارکردهای پیشگیرانه شفافیت در سیاست جنایی. *مجله حقوقی دادگستری*، ۸۲، ۹۲-۱۱۶.
۱۱. ضمیری، عبدالحسین و نصیری حامد، رضا (۱۳۸۹). حکمرانی مطلوب و نقش شفافیت در تحقق آن. *پژوهشنامه بهار*، ۵۲، ۱۷۳-۲۲۴.
۱۲. طحان‌نظیف، هادی و کدخدامرادی، کمال (۱۳۹۸). آسیب‌شناسی نظام حقوقی حاکم بر فرایندهای نظارت بر انتخابات مجلس شورای اسلامی در پرتو سیاست‌های کلی انتخابات. *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی*، ۴۹(۴)، ۱۱۲۷-۱۱۴۸.
۱۳. قلی‌پور، رحمت‌اله (۱۳۸۴). تحلیل رابطه الگوی حکمرانی خوب و فساد اداری. *مدیریت فرهنگ سازمانی*، ۱۰، ۱۰۳-۱۲۷.
۱۴. کدخدایی، عباسعلی (۱۳۸۱). نگاهی کوتاه به قانون جدید حقوق انتخابات روسیه. *ماهنامه ناظر امین*، ۳، ۲۵-۳۶.
۱۵. مصطفی‌زاده، فهیم (۱۳۸۹). رویکرد نظام‌های انتخاباتی به تعیین حدود، نوع و منابع هزینه‌های انتخاباتی با تأکید بر سیاست‌های کلی انتخابات. *مجله اندیشه‌های حقوق عمومی*، ۷(۲).
۱۶. مهری، مریم و هادی تبار، اسماعیل (۱۳۹۴). پیشگیری از افزایش جرایم اقتصادی از طریق شفاف‌سازی هزینه‌های تبلیغات انتخاباتی. *مجله کارآگاه*، ۳۲.
۱۷. واعظی، سید مجتبی و شعبانی، باور (۱۳۹۸). افزایش مشارکت از طریق انتخابات الکترونیکی. *نشریه حقوق اساسی*، ۱۶(۳۲)، ۴۹-۷۲.
۱۸. هاشمی، سید محمد؛ اکبری، محمد تقی و رستمی، ولی (۱۳۹۹). هزینه‌های انتخاباتی و آزادی سخن. *مجله تعالی حقوق*، ۶(۲).

(ج) گزارش‌ها

۱۹. بهادری جهرمی، علی و باقری خوزانی، محمدحسن (۱۳۹۷). نگاهی به عملکرد شورای نگهبان در نظارت بر

- انتخابات و صیانت از آرای مردم در دوازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری، پژوهشکده شورای نگهبان، تهران.
۲۰. دلبیو. پاتنی افوسو - اماه، راج سویر امانین، وکیشور آپرتی (۱۳۸۴). چارچوب‌های حقوقی مقابله با فساد (مالی)، ترجمه احمد رنجبر، تهران: دفتر مطالعات سیاسی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، بی‌تا.
۲۱. زرافشان، محمدهادی و حسینی‌پور، سید مجتبی (۱۳۹۴). الزامات حقوقی انتخابات الکترونیک. گزارش پژوهشی پژوهشکده شورای نگهبان، شماره مسلسل ۱۳۹۴۰۱۶۵
۲۲. مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری (۱۳۹۸). شفافیت انتخابات (تأمین حق مسلم شهروندان در انتخابات از رهگذر شفافیت)، شماره مسلسل ۳۶۰

د) اسناد، قوانین و مقررات

۲۳. سیاست‌های کلی انتخابات ابلاغی ۱۳۹۵/۰۷/۲۴ مقام معظم رهبری.
۲۴. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب سال ۱۳۵۸.
۲۵. قانون انتخابات ریاست جمهوری مصوب ۱۳۶۴/۰۴/۰۵ مجلس شورای اسلامی با اصلاحات بعدی.
۲۶. قانون نظارت شورای نگهبان بر انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۴/۰۴/۰۴ مجلس شورای اسلامی.

ه) پایگاه‌های اینترنتی

27. <http://khamenei.ir>
28. <http://nazarat.shora-rc.ir>
29. <https://rc.majlis.ir>
30. <https://www.tasnimnews.com>